



تقیات ادبی

muboriza dar çabhaji adabijoti toçik

دوام شماره 4-5

ş. husajn zoda

آن را هیچ وقت از چشم نباید دور داشت: تا بوجود آمدن تقسیمات ملی آسیای میانه، بترقی و انکشاف ادبیات تاجیک بدرجه کافی رهبری کنندگان و یاردمچیان موجود نبودند. منہ این ها یکی از صحیفه های دلسوز تاریخ ادبیات مان حسابیده میشود. این وضعیت بسیار طول نکشید. پس از بوقوع آمدن تقسیمات ملی بدوامیت این احوال ضربه داده شد.

چون تا آرامی داخلی روز از روز نیست گردید، حکومت شورائی چه از جهت سیاست و چه از جهت اقتصاد پی در پی مستحکم شد. در نتیجه این روز از روز مکتب و موعسه های معارف پیدا شدند و با همراهی این، به مطبوعات تاجیک جان درآمد، که همه این احوال ها، در آینده نزدیک به زاینده شدن ادبیات پرولیتاری یک نشان بود مثل این ادبیات که باید باشد؟ آیا ما به این کار قوه های لازمی را داریم یا نه؟

یا که این شرفی سزاوار شاعران از لایق پرور و آوری گذشته می باشد؟ ما از نوشته های بالائی فهمیدیم که، از پرور و آریا بما چه گونه میراث ها مانده است و این هم روشن شد که، از دور ادبیات پرور و آری بما یک میراث ادبی از جهت صنعت پخته کار کرده نیار نشده گی باقی مانده است. بنابراین، نمایندگانیکه از آنها بسوی ما گذشته اند به شرفی زایانیدن ادبیات پرولیتاری تاجیک سزاوار نیستند، زیرا که آنها انقلاب را بدرجه مکمل فهمیده نتوانسته اند. موج های انقلاب در رگ و پی خون آنها حالا هم هضم نشده است. بنابراین از طرفی آنها زاینده شدن ادبیات نور امید کردن خطا میباشد. بنیاد کردن ادبیات نو تاجیک بعنوان محتشکشی تاجیک مخصوص میباشد که حالا آنها در مکتب های

مختصرا میراث ادبی پیش از انقلاب اوکتیابر از همین عبارت میباشد. نویسندگان مذکور (فطرت، عینی، حمیدی، منظم، سرور و دیگرها) پس از انقلاب اوکتیابر، در راه ساختمان اجتماعی و سیاسی ما بصفت نمایندہ صنف های یاردمچی مانده داخل گردیدند. اما اگر ما «عینی» را مستثنا کنیم تا اکنون آنها در ادبیات تاجیک اثر های ممتاز خود را بوجود نیآورده اند.

پس از انقلاب شاعرانیکه از صف پرور و آری بطرف پرولیتاریات گذشته اند به زودی مفکوره پرولیتاری را از آن خود کرده نتوانستند. آنان شعر هایی چند با روح انقلابی نوشته به تعریف نمودن بعضی عید های انقلابی کفایه کردند. اینگونه شدن شاعران بصی پرولیتاریات گذشته، طبیعی بود. چونکه وی ها از جهت سیاسی آماده نبودند، که این آشکار و روشن میباشد. وقتی که ما وظیفه های حاضر و آینده خود را مقرر میکنیم البته به این حال اهمیت دادنمان لازم میباشد.

از سال 1920 تا سالهای 25-1924، ادبیات تاجیک یک دور معین را میگند راند، که در این دور، نه یک اثر ادبی و نه یگان شعری را مشاهده نمیکند. قوه های ادبی بکجا نیست نابود شده رفته برین بوده اند. این دور توفیق حیات ادبی خودمان را دور بحران (کریزیس) نامیده مهر بخش نمائیم خطا نخواهیم کرد. سبب های این کریزیس از چه عبارت بود؟ البته این، سبب های سیاسی، اقتصادی و تاریخی دارد. یکی از آن سبب ها جنگ های همدونی پر دهشت بود و وضعیت هایی که در نتیجه آن جنگها روی داده است یکی از عامل های بزرگ این کریزیس میباشد. غیر از این یک مسئله بر اهمیت هم بود که

ادبیات پرور و آری تاجیک در دور ترقی خود، خصوصاً دو شخصیت را به ما میشناساند که یکی از آن ها نویسنده پر حرارت، استاد سخن، وطن پرور و رومانتیک «فطرت» بوده دوومش دوست و غمخوار ملت، رانسیانالیست و ریالیست «عینی» میباشد. بواسطه «فطرت» اولین بار ادبیات نثری و رمانچیکگی تاجیک سر میشود، که این شایان دقت است رومان «دارالراحت» اسماعیل غاسپیریسکی مشهور یکم بار از طرف وی ترجمه شده است.

«عینی» یکی از شاعران و ادیبان دور پرور و آری، که در راه ترقی دین، ملت وجودش باغم و غصه پوشیده شده بود و پس از انقلاب یکمین بطرف نویسنده گان شور گذشته و در ساحه ادبیات تاجیک مانند رومان «آدینه»، اثر قیمت بهای خود را بمیدان برآورد. این رومان، ترقی و افزایش عینی را نشان میدهد از جهت وسیعی موضوع و نقطه های نازک حیات تاجیک که در این اثر تصویر شده است. در زنده گی ادبی ما یکی از قدم های بزرگ حساب میباشد. ادیب مذکور بواسطه این اثرش در حقیقت نویسنده پرور بودن خود را نشان داده توانست. غیر از این، از محیط پرور و آری برآمدگی بسیار دو شخصیت را میبینیم، که آنان «منظم» و «حمیدی» میباشد. نوشته های پیش از انقلاب این شاعران از جهت مندرجه پر از آه و افغان وطن ملت و بر ضد امیر و ملایان پروتیس است.

همه شاعران و نویسندگان در بالاذکر شده از جهت ایدئولوگیک و مندرجه با روح پرور و آری باشند هم ولی در باره شکل ادبی هیچ چیزی نوری را بوجود نیآورند. اینگونه شدن طبیعی بود؛ زیرا که ادبیات پرور و آری بدرجه ترقی و تکامل خود نرسیده بود.

شورایی مشغول توبیه‌گیری میباشند. در زمان نزدیک با اثر های درخشان خود بمیدان جلوه کردن آنان طبیعی است. و در اینجا: پیرو سلیمانی، نائل، سیلی، معین زاده، ج. اکرامی و عزیزی برین شاعرو ادیبان که امروز در مطبوعات مان با شعر و حکایه های خودشان بمیدان برآمده استاده‌اند بنظر گیریم در يك زمان قریب گل - گل شکفتن ادبیات پرولیتاری تاجیک يك روشن و آشکار میگردد.

ادبیات نو زائیده شده استاده است، وی صاحبان حقیقی خود را از میان فرزندان دهقانان کار گران آماده کرده استاده است. در میان این نو نهان لان، بی شبهه در آینده شاعران هنرمند شماریده میشدگی جوانان نیز موجودند. رفیق عزیزی که در وقت های آخر با بعضی حکایه های خودش بمیدان برآمده است بما يك چند امیدها بخشش کرد. وی با نوشتن چند حکایه خود میخواند، که حیات قشلاق - زنده گانی دهقان را داناند. حکایه های آخرین وی «بزکشی» و «میدانه بازی» به این مثال شده میتوانند. عزیزی چه از جهت روح - ذوق و چه از خصوصیت مفکوره بروج دهقان نزدیک است. وی بپر چیزی با نظر فردیتچیگی دهقان نگاه کرده بیا میدهد (حکایه بزکشی) به تصویر کردن ذوق هیجان و آرزوهای دهقان خیلی موفق شده است. در بعضی جایبای حکایه خود بجای باقی مانده های فیدالیزم، حاضر بقشلاق در آمده مانده گی از فورمه های سوسیالیستی (تراکتور، کلخوز، ساوخوز برین) چند کلمه ها است. این هم يك موفقیت آن میباشد. از این حال فائده بردن لازم، اما در مقیاس قشلاق بجای آماج کهنه جایگزین شدن کالخوزها و ساوخوزها به جایخانه های سرخ و بشورا های جماعه يك نظر مجرد است، که این تماما با روح دهقان فهمیدن و فکر کردن است.

منه این، یعنی در ایدئیا لوجیک دهقان بودن رفیق مذکور، یکی از قصور های بزرگ او شماریده میشود. عزیزی بواسطه حکایه های خود مبارزه صنفی امروزه را که در قشلاق ها موجود است انعکاس نمیکند. وی مبارزه کمبغلان قشلاق با عملداران کهنه و مفت خوران

را نشان نمیدهد؛ مثلاً: يك دهقان کمبغل به تحت تاثیر و دروغهای وکل زمان، می افتد، دروغهای وی باعث پست شدن خواجه گی اش میشود، که آخر املاکش هم از دست میرود. در این جادر قشلاق بوده گی رول واهمیت فرقه و شورا را نشان نداده باهمان قناعت کرده میماند. این از نقصان های بزرگ اثر های عزیزی میباشد. عزیزی با این حکایه های خود نشان داد، که نقطه های مهم حیات قشلاق دهقان را تصویر کرده نتوانسته است.

با تبدیل شدن زنده گانی، تعبیر یافتن دنیای بیرونه ادراک، ایجاد و مندرجه نویسنده هم باید تبدیل یابد. خصوصیت فکر کردن عزیزی فقط از زندگانی مندرجه و ماتیریل های کار - کربت را گرفتن است. البته عزیزی با این ها باید قناعت نکند. او باید فراموش نکند، که رنده گی تبدیل یافته با مندرجه و ماتیریل های نو آبیاری شده استاده است. منه این مامیت ها هنوز در ایجاد چیگی او موجود نیست. عزیزی يك نمونه بیپچیگی ادبیات نو راد دهقانی مام میباشد. وی از شاعران و نویسنده گان حاضر ما فقط با يك خصوصیت خود جدا میشود، که آن هم باشد ساده بودن اسلوب ولسان او است. از این جهت میان شاعران دیگر ما، او سزاوار تعریفی است. عزیزی با این فعالیت خود، بر ضد ذهنیت و زبان نیم ایرانی شده ما حیات اعلان کردگی يك نویسنده است؛ موفقیت بزرگ عزیزی هم در همین جا میباشد. ولی بعضی ها بزبان ساده او فریفته شده: (زبان کار فرموده او زبان ادبی تاجیک شود) گفته ادعا میکنند اما این نا درست است؛ زیرا که زبان عزیزی دور ترقی و تکامل را نگذرانیده گی يك زبان است. این زبان ترقی امروزه را که با قدم های کلان پیش میرود، انعکاس کرده نمیتواند. این، زبان يك آکروک معین است. این، زبان عموم تاجیکان نی و نمیشود. و اینچنین بزبان ادبی تاجیک اساس نشده؛ بلکه يك واسطه شده میتواند. يك درجه ترقی کردگی زبان ادبی تاجیک را در عینی میبینیم، که بواسطه کمتر کار کردن در يك زمان نزدیک بيك زبان ادبی

مکمل پر هیجان و همه فهم مالک خواهیم شد.

اگر چندیکه شاعران و ادیبان نورس حاضره خیلی کمبودی داشته و ادبیات حاضره ما بيك رنگ جدی ندرآمده باشد هم خیلی به کامیابی ها نائل گردیده ایم، و به موفقیت ها رسیده ایم. در برابر این موفقیت ها خیلی کم بودی ها نیز داریم. ادبیات پرولیتاری تاجیک، که در بالا ذکر کردیم در عرفه زائیده شدن است. منابع های که در میدان موجود دارد، از نقطه نظر صنعت بسیار هم بدرجه پستی می استند. هنوز از جهت اسلوب و شکل بدرجه ترقی نائل شده نتوانسته ایم. اگر شعر های «لاهوته»⁽¹⁾ را مستثنا بکنیم يك تاثیر منطقدار نمی بخشیده گی، و بنام ادبیات بسیار هم ارزان يك چند شعر و حکایه ها بمیدان انداخته شده است، که منه این حال در جریان ادبی امان موجود است و از کمبودی های کلان حسابید، میشود. بنابر این از هر جهت برای زیاد نمودن معلومات کوشیدن لازم است. اما در این باب کار تر - بیهوی ما بدرستی زنده نشده است. ما از شاعران خود؛ در نتیجه های انک - شای حیات هم در زندگانی موجود بودگی جریانهای ملی و پسیخولوژی را به يك شکل معین درآورده گی اثرهای زیبا و تصویرناك طلب می نمایم؛ چونکه امروز موافق فرمان فرقه کامونیستی میامونها آوردی محنت در میدان کار جوشیده استاده است، وی در راه ساختن جمعیت بزرگ سوسیالیستی غیرت دارد ادبیات ما هم به این افزایش و ترقیات باید جواب دهنده شود.

از طرف دیگر در باب کولتورای ملی سیاست معین فرقه موجود بوده، همچنین در باره وسعت دادن ادبیات نفیسه، از طرف فرقه داده شده گی امکانات های کلان هست. خلاصه کلام برای وسعت و ترقی یافتن ادبیات پرولیتاری تاجیک شرطها موجود است. اما مسئله در آن جا است، که از این امکانات ها با درستی فائده گرفته بيك سیستم معین متحد شدن لازم. از اینخصوص در آینده کار های جدی و عملی طلب میکنیم.

(1) «لاهوته» را در این مقاله خود نشان ندادیم در باره لاهوته و موقع آن در ادبیات تاجیک مقاله مخصوصی خواهیم نوشت. ش. ح.